



# پیک دور افتادگان

مرثی کر بلا و امام حسین (ع) در آینه ادب فارسی و هند مسلمان

## انعامی شمیم

هنگامی که برای اولین بار سرودهای به زبان فارسی در زمینه حوادث تأثر انگیز کر بلا خواندم تأثیری عمیق بر من به جا گذارد که هنوز آن را به یاد دارم. آن سروده مرثیه‌ای از قالی پالین مطلع بود:

بارد چه خون که؟ دیده چه جان روز و شب چه؟

از عهد کلام عربا قسم سلطان اولیا

این شعر به شیوه پرش و پاسخ و به نحوی حیرت انگیز بیانگر یک جاری از حوادث پر شور کر بلاست و در عین حال با رنگ حالت عاطفی و احساس مؤمن مسلمانی است که به شهادت تنه محبوب پیامبر (ص) محبتش بی‌امیسی اندیشد.

مضمون درد و رنج و قربان شدن از روزگار آن دور در تاریخ دین نقشی ملموس داشته است. هنوز هم در لفظ‌های که بن خاور میانه نام قهرمقایی به گوش می‌رسد که گفته می‌شوند امام گشیلان عهددار تواند دیار مزدهنگی است؛ نامهای آتیس، Atis و السیریس Osiris به ترتیب در روایت‌های بابلی و مصری از بهترین نمونه‌هایی است که از بلور مردم دوران باستان در این زمینه خبر می‌دهند. مرثیه‌ای که اعتقاد داشتند بدون مرگ تمام حیات امکان ندارد و خونی که در راس مقدس ریخته می‌شود از هر چیز دیگر گرانبه‌تر است. قربان شدن راس برای رسیدن به مراتب بالاتر و متعالی‌تر حیات است و اینتر و گذشت و کشته شدن اعضای یک خانواده

تعالی بخش منزلت دینی اوست. داستان‌هایی که در باره لیر لیریم (ع) که تا آنجا به پروردگار ایزان داشت که بی هیچ پرسشی در باب چرایی قربان کردن فرزندش، بدان امر رضاداد و مر عهد عتیق و قرآن آمده است، به اهمیت چنین قربان شدن‌هایی اشاره دارد. در مقابل آنجا که مر چنگلهای معروف در سال جبرئیل (۱۱۲۶) قربان شدن اسماعیل (ع) و شهادت حسین (ع) را - که به نوعی آغاز و انجام داستان کربلاست - به هم می‌آمیزد. پس از بجا و مرست سروده است: ز یاد نظر گرفتن اهمیت قربان شدن و تحمل درد و رنج برای تعالی انسان، جای تعجب نیست که مرگ توه محبوب پیامبر (ص) تا آنجا چنگه جایگاهی بلند در تاریخ اسلام داشته باشد و

ما چرای مرگ زهر آلود برادر بزرگه امام حسین (ع) را نیز بدان آمیخته باشند. در ادبیات عامیانه اغلب می‌بینیم که امام حسین (ع) و امام حسین (ع) هر دو در شمار سپاهیان کر بلا آمده‌اند. این مطلب از نظر تالیلی نادرست است اما از نظر روان شناختی صحیح است.

اکنون مجال آن نیست که در باب رشد و شکوفایی نوع انسانی مرتبه و تمیز به در پهنای شعر فارسی، هندی یا در سنت شماری رایج ترکی، از همه جهات سخن بگویم. اما خالی از لطف نیست اگر نوبتگاهی به بارهای از اشعار سروده شده در سنت ادبی خاور دور بیفکنیم. این اشعار غالباً برانگیزه‌های شاعران مسلمان به سر نوشت حسین (ع) است و در عین حال، از نگاه تالیلی آمیز صوفیان به امام حسین (ع) در مقام انکوبی برای تحمل رنج و بلا حکایت دارد. رنج و فردی که به اعتقاد آنان در مسیر کمال روح نقشی بنیادین دارد.

نظام حسین (ع) چندین بار در دیوان سنایی (۱۲ میلادی ۶۱ هجری قمری) - که نثر شین شاعر عارف برجسته ایرانی است - آمده است. این نام در مواردی برای افاده معنای شجاعت و از خود گذشتگی به کار برده شده است. حکیم سنایی امام حسین (ع) را انکوب و مظهر شهید می‌داند. شهیدی که ولادت و از چمنندتر از همه دیگر شهیدان است.

دین حسین (ع) نوشت از آرزو، خواب و سگت تشنه لبین ز امی کشی و آن هر نور امی بر روی مفهوم بیت یاد شده آن است که انسان به چنان مرتبه تالی سقوط کرده است که تنها به اعمال و آرزوهای خود خواهد خورش می‌اندیشد و در راه نانی بسو آوردن نیازهای مادی خود همه کار می‌کند. در حالی که دین تو - مساحت منوی زندگی‌اش - محروم و بی‌اصیب مکنه و می‌خشکد و می‌فسرد. همچنان که امام حسین (ع) و شهیدان کر بلا در حال تشنگی و بی‌آبکی هیچ کس آبی به کام آنان بر نرزد. کشته شدند. این اعتقاد واضح در اشعار دیگری نیز در «دیوان» و حدیقه الحقیقه سنایی آمده است. لازم است در باب چنگلهای بلندی که در مستایش حسین (ع) و توصیف کر بلا در حدیقه الحقیقه آمده، بدین نکته توجه داشته باشیم که ظاهر این بخش از حدیقه الحقیقه در نسخ خطی کهن افتادگی دارد و ممکن است بعدها بدان افزوده شده باشد. این مطلب به هر حال برای ما قابل ملاحظه نیست. چرا که نام حسین در یکی از اشعار مهم دیوان سنایی آمده است. سروده‌ای که شاعر در آن با بهره‌گیری از تصاویر شماری بی‌ظنیر به توصیف تعالی انسان و فرد و رنجی می‌پردازد که برای مشتاقان رسیدن به کمال، گریزی از آن نیست. در همین سروده است که او شهیدان کشته شده را کوی دین - شهیدانی که همچون امام حسین (ع) با شمشیر جان باخته بودند یا چون امام حسین (ع) با زهر به شهادت رسیده بودند - را ندیده می‌بیند. سر بر آرزو گشیلان تحقیق ظاهر کوی دین گشیلان زندانبانی از من در کعبه من

در یکی صف گشیلان بینی به تیشی چون حسین (ع) در ذکر صف گشیلان بینی به زهری چون حسین (ع) این نگاه به حسین (ع) به عنوان الگوی شهادت و شجاعت پس از سنایی نیز در عرفان ایرانی و ترکی دنبال شده. در بیانی از دیوان عطار نیشابوری وی با علاقه‌های خاص، سلاک تازه کار را به پیش گرفتن راه حسین (ع) می‌خواند و چنین خطاب می‌کند: ... یا حسینیش باش یا منصور باش (ع) منظور شاعر از منصور، حسین بن منصور حلاج - شهید بزرگ عرفان اسلامی - است که به روح حمله در ۱۲۲ میلادی ۲۰۹۱ هجری قمری در بغداد به دار آویخته شد. او نیز همچون هنگام خود، حسین بن علی (ع) سر مشق صوفیان است.

او عاشق رنج و مرارت اندر راه عشق الهی است و نامش در بسیاری از اشعار صوفیانه ملازم نام امام حسین است. هر دوی ایشان عاشق و شیفته پروردگار بودند و خود را قربان عشق الهی خویش کردند و هر پیرزبان باید بگویند که این راه به این دو عاشق آزمونی پروردگار تباری چونند غالب دهلوی در قصیده توحید خود یا چیر مدس شی بدین مطلب اشارت می کند

این سنت شعری در جهان ترک نیز از استحکام خاصی برخوردار است و هر دوی این اشخاص اغلب در اشعار عرفانی آن سرزمین به چشم می خورد. سنت ادبی ترک زبان پیوسته به لواحق دوران فرقه یکتائی به شدت و با مصلح اسلام شیعی است اما به نظر می رسد که نوانه پیامبر ۴ در برخی از نخستین اشعار عرفانی - که یونس عمره در اواخر قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی ۷۱ و ۸ هجری قمری در ترکیه سرورده بود - جایگاهی ویژه داشته است. سروده های عاشقانه از نو که در آن از حسین ۴ تا تمایزی همچون همسر چشمه شهبانها، شک لولیا و «حقل معصوم فاطمه ۳» یاد کرده می یابد این سخن است در تصویر شمیری دیگری امام حسن ۴ و امام حسین ۴ در مقام امیران هشت بهشت یاری رسانی هستند که بر سر حوض کوثر می ایستند و به تنگنای آب می دهند تصویر منقابی که از رنج حسین ۴ در صحرای بی آب کر بلا ترسیم شده است ۴

این آفسانه است چو ز که چو نول به حضور پیامبر ۴ رسیده در حالی که آست جامه به رنگ قرمز و سبز برای آفتابش (حسن ۴) و حسین ۴ به همراه داشت و چنین خبر داد که این لباس ها به چگونگی مرگ ایشان در آینده اشاره دارد که توسط شمشیر و زهر است در اشعار کهن ترکی آمده است. برخی از مناقب معروف سندی نیز - که بر این مضمون استوار است - هنوز در مناطقی از سرسند خوانده می شود داستان های مشابهی در این دو سنت ادبی در باره امام حسن ۴ و امام حسین ۴ و نولدگان پیامبر ۴ وجود دارد حکایت هایی از سوار شدن ایشان بر پشت پیامبر در کودکی و نوازش ها و مهرورزی هایی که پیامبر ۴ در حق آنان روا می داشت.

بدین ترتیب در قالب های معروف و متنوعی از اشعار کهن ترکی از امام حسن ۴ و امام حسین ۴ یاد شده است. یونس عمره برای تأکید روزی به نقش و جایگاه خاص آنان، ایشان را «گوشوارگان سلطنت الهی» می خواند ۴

این تصویرپردازی ها در قرون بعد - همزمان با گسترش رفتارهای شیعی مایله فرقه یکتائی - رنگارنگ تر و متنوع تر و در اصطلاحات ادبی و آیینی ملموس تر شده تعلیمی همچون حسین بن علی هجر خلافت ۴، حور چشم مصطفی است ۴، در اشعار یکی از شاعران ترک دیده می شود شاعری دیگر در مرثیه های زیبا امام حسن ۴ را «قهرمانی جشنوار جهان» می خواند.

ایا گلوی حسین - که همواره بوسه گاه پیامبر بود - همان است که اکنون بریده خنجر است؟ عرشیان و فرشتگان اکنون لشکر سپاه از دیدگان می کشند. وای حسین چونان زلفه تو بر پستان و سر گشتند از گدازه حسین، سپیدمان خون خود پرورن می کشند.

۱۴۰۵ های سرخ در خون غلطانند و بار گدازه نورابر دل ماشان می کشند ۴

این سنت ادبی در ترکیه با آنچه در زبان های مختلفای شبه قاره هند آمده شباهت بسیار دارد اکنون نگاهی به رشد مرثیه در این شبه قاره می افکنیم اما نه در زبان های اصلی بلکه در آنچه در مناطق دور افتادتر آن وجود دارد چرا که توسعه مرثیه به زبان اردو در آغاز (در اواخر ۱۶ میلادی / ۱۰ هجری قمری) نامورن شکوفایی آن در آثار مسلمانان (Saudia) و پیوسته انیس (Anis) و دبیر

(Dabir) مشهور و معروف است تا جایی که می دانیم مرثیه فارسی از حوالی ۱۷۰۰ میلادی به این طرف در استان سند - که در صد قابل توجهی سکنه شیعی دارد، به وجود آمد. تذکر نویسان ۲ تن را به نام های علامه (Allama) (۱۷۸۲-۱۶۸۲) و محمد معین ثارو (Muin Tharo Muhammad) از نخستین مرثیه سرایان ذکر می کنند اما محمد محسن (Muhammad Muhammad) که در پایتخت کهن و در خشن سند (Thatta) زندگی می کرد، است که به طور خاص نامش در سند یا مرثیه فارسی به هم آمیخته است. وی در دوران کوتاه زندگی اش (۱۷۵۰-۱۷۹۰) ترجیح بدهای بسیاری با این مضمون سرورده که «سلام» از جمله آنهاست که در روزنامه صور خیال زیبا و قوی است

کشتی خندان مصطفی به خون نشسته است. گریه سیه کفر در کسین خورشید است. تندباد کوفیان شمع پیامبر را خاموش کرده است اما چاه تر از این سنت شعری که به زبان فارسی در آنجا شکل گرفته توسعه مرثیه در خود سند و به همین زبان ها بود با توجه به اینکه کریستوفر شکل (Christopher Shackle) مقالای مبسوط و روشنگر در باب مرثیه در این نواحی به رشته تحریر در آورده است. من در این مجال تنها در زمینه ابتدای از مرثیه در سند سخن می گویم. همچون بسیاری از دیگر شاخه های شعر سندی در این عرصه نیز شاه عبداللطیف بنایی نخستین فردی است که آرای او از سوی دیگر شاعران نیز پذیرفته و به کار گرفته شده است. وی بخشی از

یکی از آثار خود را به شهادت نوه پیامبر ۴ امام حسین ۴ اختصاص داده و بر آن است که حادثه کر بلا واقعاتی است که در صورت سر سنت عرفانی اسلام نفوذ کرده و تأثیر گذار بوده است. وی در یکی از این هفت اشعار بنا به رسم خود در آغاز سخن ذهن مخاطبان خود را به لحظاتی معطوف می کند که خبری از قهرمانان کر بلا به گوش نرسیده است

ماه محرم روزی شده بود و تشویش و تگرگی در باره امیران کر بلا رخ نموده بود چه شده است؟ محرم باز گشته است اما اما ما را

آه ای شاه معین ما را با هر دیگر دیداری میسر می شود؟ وی سپس در گذشته علت سکوت آنان فرو می رود و ماجرای غم انگیز آن را خلاص می کند

اسیران از مدینه بیرون رفتند و دیگر باز نخواهند گشته شاعر بعد از این در می یابد که اما اما دلش برای ناله و مویه نیست چرا که گوش کن، شهادت روز سرور و شادمانی است بزیبای از این عشق بهر زلفه است مرگ برای فرزندان علی به باغفت بلران است با توجه به اینکه بلران در نگاه شاعران مشرق زمین - عموماً - از منظر شاه عبداللطیف - خصوصاً - نشان و حست الهی است و با توجه به نیلومندی بسیاری از سرزمین به بلران به کار بستن این صورت خیالی از سوی شاعر، معنایی کامل در شعر افاد می کند

رنج به شهادت شادمانی فراگیر فصل باران است بزیبایند که بهر ای هم از این عشق نمانده است اما بلران از راز غم شهادت داشتند مفهوم بیت آن است که امام حسین ۴ و امام حسین ۴ از ازل معصم بودند که زندگی خود و افسانای آرمان شان کنند آنجا که به خطاب

الهی «آیا من پروردگار شما نیستم؟» پاسخ آری دهند و پذیرنده هر رنج و بلایی در این راه باشند همان طور که شاه عبداللطیف این نکته را به مخاطبان خود یادآوری می کند ایشان از روز ازل بر آن بودند تا مرسبق کسی باشند که با رنج و شهادت به حیات لبدی نایل می شوند یکی از کسانی که با عشق و علاقه مندی به سجد و توسعه سبک مسواری پرداخته سنگی (Sangi) - شهر کاهه تالپور (Talpur) - است. سندیان به واسطه اشعار لطیف و تأثیر گذاری که وی در منقبت امیر شهیدان - امام حسین ۴ - سرورده است و نادر اویند ساجی تأکید بسیاری بر وجود عرفاسی حادثه کر بلا داشته است. حسین ۴ در بیته که در پی می آید با پیامبر ۴ قیاس شده است

معراج امیر از سرزمین کر بلا بود اسب شاه به مرثیه برای نایل شد امام حسین ۴ سوار بر ذوالجنح شهید می شود و عروج می کند و به حضور پرورده گز می رسد و تا بدان جا که برای بال ناب پیامبر را در سفری شگله نرزد پروردگار برده و به ملکوت رساند پوش می رود امام حسین ۴ در مقام مرشدی عرفانی برای همه آنان که در پی طی طریق عشقند در شعر سرزمین هند و در میان مسلمانان هندی - که انگار شان بر گرفته از آموزه های عرفانی است - ظهور و جلوه بسیار داشته است. رنج امام حسین ۴ و حسین بن منصور از منظر طرفان ترک و عطار (و بسیاری دیگر) و مسلمانان هندی الگویی از حیات عرفانی و پنهان شده است

با وجود همه آنچه گفته شد راه دیگری نیز برای درک نقش امام حسین ۴ در تاریخ مسلمانان وجود دارد و مهم اینکه محمد قیبال - که فیلسوف و شاعری سنی است - روشنگر این راه است. در ابتدای سخن گفتیم که وی تاریخ کعبه را با ۲ قریبی آن - شمسعلیل ۴ - کر ابتدا و حسین ۴ در انتها - مشخص کرد ۴ اما وی قریب ۲ دهه پیش از سرودن آن ایستاده فکلی بلند را در رموز بی خودی به حدس حسین ۴ با عجزاتی عرفانی نقد امام عاشقان «هیور بتول» و «هرو آزادی زستان رسول» ستایش شده است. در حالی که پدرش - حضرت علی - در تعبیر عرفانی، پای پیام الله خوانده شده پسرا، «فتح عظیم» لقب گرفته است. امیزهای زیبا از تفاسیر عرفانی و قرآنی که قیبال در

سخن خویش بدان اشاره کرده است: آن امام عاشقان، یور بتول سرو ازادی زستان رسول الله کای پیام الله پدر معنی فتح عظیم است پس قیبال نیز همچون اسلاف خود به این مطلب که امام حسین ۴ امیر بهترین مردم در کردی بر پشت آخرین پیامبر خدا ۴ سوار شده اشاره داشته است. از زیباترین توصیفات قیبال در این سرورده سخن او در باب عشق عبوری است که با خون حسین ۴ تکمیل شده است: سرخ رو عشق عبور از خون او ۴ قیبال در اینجا به شهادت منصور حلاج نیز نظر داشته است آنچه که انگشتان قطع شده و خونیش را بر چهره خود می مالد تا بهر غم رنج و درد پیامبر ۴ سرخ و استوار بماند. از نظر قیبال جایگاه امام حسین ۴ در جوامع مسلمان همچون مقام سوره اخلاص در قرآن بنیادین است. در میان است که بلران چنانچه معجزه حرف قابل هوالله بر کتب



امام حسین صاحب یلی است که مسلمان راستین باید بدان متصف باشند بر تر از هر چیز اینکه خود را فدای تصدیق یگانگی خداوند کرده است

وی در ادامه به موضوع - مورد علاقه خویش - جدال دائم نیروهای حق و باطل، میان پیامبر و اولیا از یکسو و مستکبران و کفار از سوی دیگر - می پردازد امام حسین ۴ و یزید همان نسبتی را دارند که موسی و فرعون: موسی و فرعون و شمشیر و یزید: این دو قوت از حیات آید بهید این باطل از خرد خاست صورتی است

اقبال پس از این در پی بیان این مطلب است که چگونه در آن دوران، خلافت از احکام قرآنی فاصله گرفته و با ظهور بنی امیه، حکومت فنبوی و ملای شده است. در این موضوع است که امام حسین ۴ همچو امیری باران از بدینار می شود بار دیگر حسین ۴ تجسمی از بلون رحمت است که همواره با تشنگی و خشکی صحنه واقعی کر بلا در تقابل کفیل است. این خون امام حسین ۴ بود که بر صحرای کر بلا بارید و لاله های سرخ در آن رویاند

چون خلافت رفته از قرآن گسخت حریت را از هر اندر کلمه ریخت خلعت آن سر چاهم خیر لام چون سحاب قبله باران در قدم بر زمین کر بلا بارید و در وقت لاله در ویرانه ها کبریا در وقت

از تباط میان لاله های سرخ پرورش و جامه های خونین شهیدان کر بلا از قرن ۱۵ میلادی (۹ هجری قمری) تصویر محبوب در شعر فارسی بوده است. با تافته در جایگاه گل لاله در شعر اقبال - که نماد تجلی آتش عشق الهی و نشان آزادی و نمایی روح کسین در شرایط صعب و است - سخن شاعر را آنجا که می گوید حسین ۴ در کر بلا لاله رویند بهتر در می یابیم

ممکن است شباهت شنبدری «لاله» و «لاله» همراه با یکسان بودن ارزش عددی واژه «لاله» و «لاله» اقبال را بر آن داشته باشد که از این تصویر برای امام حسین ۴ بهره برد و چنین سرزند

تا کی است قطع استبداد کرد صبح خون او چمن ایجاد کرد بهر حق تر خاک و خون گردیده است پس بنای لاله گردیده است

بنابر این امام حسین ۴ همچنان که اقبال چنین تصویر می تر او ترسیم کرده است صاحب همه خصایلی است که مشقنی راستین باید بدان متصف باشند شجاعت و مردانگی و بر تر از هر چیز اینکه خود را فدای تصدیق یگانگی مطلق خداوند کرده است. در حالت فنا - آن چنان که شاعران عارف سرورده اند - بلکه در مقام خلاصی که با اتان لاله لاله و شهادت خود نعتها یک شهید بلکه شهادی بر پکتای پروردگار و سر مشتی برای همه تسل های مشتعل است سخن اقبال آنجا که می گوید تا در دستگاه مسلمان هنوز هم از نام امام حسین ۴ به گوش می رسد سخنی کلاما درست و بی جا است ما نیز بحث را با ذکر آخرین بیت از شعر رموز بی خودی قیبال به پایان می بریم که می گوید ای صبا ای یک خور افتادگان لشکر ما بر خاک پاک اورستان ۴

این نوشته ترجمه مفصلی از آه ماری شمل در دستگاه فارز دست که در مجله Ad-Saral منتشر شده است ۱- دیوان، ۲۵۵ ۲- همان، ۴۸۵ ۳- دیوان، ۲۷۶ ۴- Yunus Emre Divan, p. 569 ۵- دیوان، ۵۶۹ ۶- Ergun, Bektaş, maktari, p. 95 ۷- همان، ۱۲۲ ۸- سیرت و صفات و بیاد قطری در وی با حسن مضمون می گوید که در این لیدرین معجزه عشق عبور مامومی بهر ایمان در کر بلاست

ترجمه لریا افغانی چاوشی

